

درباره اصالت زیارت عاشوراء

حسن انصاری

درباره متن و سند زیارت موسوم به زیارت عاشوراء و اصالت آن تاکنون بحثهایی در میان عالمان شیعی مطرح بوده است. علاوه بر جایگاه معنوی این متن زیارتی و تجربه های شخصی مؤمنان که در کتابها و در سنت شیعی معمولاً نقل می شود، این متن از نقطه نظر تاریخی اهمیت فوق العاده ای دارد.

من در این یادداشت کاری به مباحث سندی این متن زیارتی ندارم و در این باره تاکنون تحقیقاتی شده و از همه بهتر می توان به مطالبی که فقیه و رجالی برجسته آیه الله سید موسی شبیری زنجانی درباره صحت سند این زیارت بیان کرده است، مراجعه نمود. در سنت شیعی این زیارت اصلاً به نقل از امام باقر روایت شده است و من در این یادداشت صرفاً می خواهم نشان دهم که از لحاظ نقد درونی این متن هم می توان صحت انتساب آن را به دوران پایان عصر امویان معاینه نشان داد. این مطلب را خلاصه وار در چند نکته بیان می کنم:

نخست اینکه در متن این زیارت هیچگونه مطالب غیر متناسب با زمان انتشار آن دیده نمی شود. آنچه درباره امامان و خاندان اهل بیت در این متن ارائه شده با عقاید موجود در دوران پایانی عصر امویان سازگار است و از مطالب متحولتر دورانهای بعدی در آن خبری نیست. نوع مطالبی که در این متن ارائه شده کاملاً با وضعیت شیعیان در عصر پایانی امویان و با عواطف و احساسات عمومی شیعیان در خصوص مصائب اهل بیت و نسبت به دشمنان آنان یعنی امویان سازگاری دارد و فضایی را ترسیم می کند که ما آن را در منابع اصیل تاریخی دیگر همین دوران می شناسیم.

نکته دوم اینکه فضای "ولایت" و "برائت"ی که در متن زیارتنامه دیده می شود، نیز با فضای عمومی نیمه اول سده دوم قمری سازگاری دارد و این امر بر کسانی که تاریخ فرقه های مذهبی در این دوران را مطالعه کرده اند، پوشیده نیست.

نکته سوم اینکه در تمام این متن بر برائت جویی از امویان تأکید شده، امری که به وضوح در جریانهای شیعی در دوران پایانی امویان گسترش یافته بود و در حقیقت تشیع طیفی وسیع از مخالفان با امویان را تشکیل می داد که در عین حال به اهل بیت پیامبر ابراز وفاداری می کردند. صرف نظر از برخی گرایشهای خاص شیعی در آن دوران، عموم شیعیان در حول محور تأکید بر عدم پذیرش خلافت امویان اجماع داشتند. در بخش اصلی این متن صرفاً بر امویان تأکید شده و از آنان اظهار برائت شده است. خود این امر نشان از اصالت این متن است؛ چرا که عموماً در متنهای برساخته بعدی به دلیل تأثیر پذیری از فضا و ذهنیت عمومی، نوع اظهار برائتها به گونه ای است که چنین تأکیدی را بر امویان که به هر حال زمان آنان سپری شده از دست می دهد و تعبیر عامتری را شامل می شود که قابل تفسیر به عصر عباسیان نیز می شده است و یا عقاید متحولتر شیعیان را درباره دایره برائت جویی ها در بر می داشته است.

نکته دیگر اینکه در این متن نام شماری از دشمنان اهل بیت می رود که کاملاً نشانگر آن است که این متن در دورانی ارائه شده که این نام ها هنوز برای مخاطبان شناخته بوده اند؛ تأکید بر آل زیاد و یا شمر و عمر سعد در متنی که در دوران پایانی امویان ارائه شده، کاملاً طبیعی است و نشانگر احساس عمومی شیعیان درباره ظلم و جفایی است که از سوی امویان و تک تک ایادی و عوامل آنان در حق اهل بیت اعمال شده است؛ اما اگر این متن متنی بود ساخته شده در

دورانی متأخرتر طبعاً تحت تأثیر شرایط زمانی قرار می‌گرفت و از آن جمله اینکه تا این اندازه نام اشخاص و همچنین خاندانهای مختلف اموی و یا موالی امویان در آن مطرح نبود. اینکه در این متن از لعن و نفرین بر آل امیه و خاندان و عوامل سفاک آنان تا "ابد الآباد" سخن رفته است، نشان خوبی است بر اینکه این متن در زمانی ارائه شده که این خاندانها بر سر قدرت بوده و منتعم از دستگاه جور امویان بوده‌اند و "اشیاع و اتباع و اولیای" آنان و به تعبیر دیگر زیارتنامه، "امت" آنان در کار جفا بر اهل بیت بوده‌اند (تقابل "امت" با "اهل بیت"). فضای عمومی این دعا بر علیه امویان فضای متنی نیست که در زمانی انشاء شده که امویان دیگر از میان رفته بودند و منطقاً دیگر زمینه‌ای عینی برای ابراز احساسات ضد اموی وجود نداشته است. در این متن از "سلم" و "حرب" در نسبت با اهل بیت و دشمنان آنان سخن می‌رود و بعد بلافاصله با ابراز لعن نسبت به آل زیاد و آل مروان و بنی امیه و عوامل و کارگزاران آنان به طور شخصی مقصود از دشمنان را تبیین می‌کند. آنگاه که در این متن از آل مروان و بنی امیه سخن می‌رود روشن است که این سخن در فضایی بیان شده که در آن این خاندان همچنان در قدرت هستند و با این متن هدف این بوده است که نشان داده شود که قاتلان حسین بن علی و اصحابش گرچه خود در زمان حاضر نیستند، اما همچنان خاندان آنان هستند و حتی اگر هم خود را از آن عمل که در زمان یزید خلیفه اموی صورت گرفت، برکنار می‌دانند، اما باز بر همان راه می‌روند و باید امروز با بازماندگان آنان مخالفت و دشمنی کرد. این امر کاملاً فضای یکی دو دهه پیش از انقلاب عباسی و وضعیت گروههای شیعی را در اوائل سده دوم در کوفه نشان می‌دهد. در فقره‌ای از این زیارتنامه بر ظلمی که از سوی دشمنان بر "اشیاع" اهل بیت می‌رود سخن می‌رود که باز دقیقاً نشانگر فضای سخت اموی ضد علوی و شیعی اواخر دوران امویان است. در حقیقت در این متن که متنی تبلیغی و مبارزاتی است بر تهییج احساسات علوی و ضد اموی با تکرار عباراتی که کاملاً جنبه عاطفی دارد و بسیار تأثیر گذار است، تأکید می‌رود. بنابراین این متن کاملاً جنبه انقلابی داشته و در چارچوب فضای اواخر دوران اموی و گرایش‌های انقلابی و احساسات علوی/شیعی و ضد اموی قابل درک است.

نکته بعد در ارتباط با فضایی که در متن زیارت عاشوراء با آن روبرو می‌شویم، مسئله انتظار و امید بردن برای قیام شخصی است از "اهل بیت محمد" برای طلب انتقام و مقابله با دشمنان اهل بیت؛ دشمنانی که اهل بیت را از "مراتب" ایشان باز داشته‌اند. عبارت متن در نخستین موردی که از این مقوله در آن سخن می‌رود چنین است: "...آن یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد...". تعبیر "منصور" از تعبیری است که در فضای شیعی و مبارزه جویانه جریانهای شیعی دوران اواخر عصر اموی کاملاً از طریق منابع مستقل تأیید شده است. به عقیده اینجانب تأکید بر روی این امر در متن زیارت را باید کانون اصلی این متن دانست که به مثابه مرامنامه نضت شیعی ضد اموی در آن دوران عمل می‌کرده است. دومین موردی که در متن زیارتنامه از مقوله انتقام و همراهی با "امام"ی سخن می‌رود، آنجاست که این تعبیر آمده است: "وأن یرزقنی طلب ثاری مع امام هدی ظاهر ناطق بالحق منکم". آنچه در اینجا از شرایط آن امام به میان آمده آن چیزی است که شیعیان در دوران پایانی امویان در وجود امام حق می‌جسته‌اند. تعبیر "ظاهر" محتملاً اشاره‌ای است به پیش زمینه و عقیده‌ای که بر اساس حدیث مشهور کمیل از حضرت امیر در میان اوساط شیعی درباره دو نوع امام (قائم) "ظاهر مکشوف" و "خائف مغمور" وجود داشته و منشأ مباحث و انشقاقاتی در میان شیعیان در دورانه‌های اولیه بوده است (در این باره خلاصه بحث را می‌توان در کتاب استاد پروفیسور حسین مدرسی در زمینه بحران دید).

بنابراین به عقیده نویسنده این سطور متن زیارت عاشوراء فارغ از بحثهای سندی، متنی است که با بهره‌گیری از شیوه نقد تاریخی درون متنی و به کارگیری نشانه‌شناسی تاریخی هم می‌توان بر اصالت آن و انتساب آن به دوران پایانی

امویان استدلال کرد. گرچه این شیوه نمی تواند دقیقا نشان دهد که این متن حقیقتا منتسب به امام باقر است و برای این امر طبعا بحثهای سندی درون مذهبی همواره مورد استناد علمای شیعه بوده و هست. حتی اگر فرض کنیم که این متن از امام هم نباشد، به نظر می رسد که از نقطه نظر صرف تاریخی هم می توان گفت که متن زیارت عاشوراء از متون تبلیغی شیعی دوران پایانی حکومت امویان است که احتمالا به صورت مرامنامه و متنی تبلیغی و سری میان شیعیان از میان برخی طیفها دست به دست می شده و از دیر باز به عنوان متنی شیعی قرائت می شده است. این متن البته بعدا در میان متون شیعه امامی حفظ شد اما روشن است که استناد این متون متأخرتر بر اصول و متون کهنه تری است که به مدت بیش از دویست سال در میان شیعیان تداول دلشته و در نهایت در کتابهای "مصنف" روایت و ثبت و تدوین شده است. آنچه در این یادداشت مد نظر بود بررسی این امر بود که اولاً در بررسی اسناد و متون چند سده نخستین تنها اتکا بر شیوه های سنتی بررسی صحت سند احادیث و متون کافی نیست و بلکه به ویژه برای تاریخنگار عقاید و باورها، بررسی و نقد درونی متن و مقایسه با دیگر متون تأیید شده بسیار ضروری و راهگشاست.